

چراهندندان فقیرند درآمدی بر اقتصاد استثنایی هنر

هانس آیینگ

مترجمان: حمیدرضا شش جوانی و سید امیر فیاض



۱۳۹۸

میرشناسه: آبینگ، هانس، ۱۹۴۶-م. Abbing, Hans
عنوان و نام پدیدآور: چرا هنرمندان فقیرند: درآمدی بر اقتصاد استثنایی هنر/ نویسنده: هانس آبینگ؛

مترجمان: حمیدرضا شش جوانی، لیلا میرصفیان
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: بیست و سه، ۵۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۶-۷۸۸-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Why Are Artists Poor?: The Exceptional Economy of The Arts, c2002
یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان درآمدی بر اقتصاد هنر: چرا هنرمندان فقیرند توسط نشر تحقیقات نظری در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.

موضوع: هنر -- جنبه‌های اقتصادی: Art -- Economic Aspects
موضوع: هنرمندان -- وضع اقتصادی: Artists -- Economic Conditions

شناسه افزوده: شش جوانی، حمیدرضا، ۱۳۵۴-، مترجم

شناسه افزوده: میرصفیان، لیلا، ۱۳۶۲-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ / آ۲۴۴ N ۸۶۰۰

رده‌بندی دیویی: ۷۰۶/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۲۶۷۸

چرا هنرمندان فقیرند

درآمدی بر اقتصاد استثنایی هنر

نویسنده: هانس آبینگ

مترجمان: حمیدرضا شش جوانی و لیلا میرصفیان

چاپ نخست: ۱۳۹۸

شماره نسخه: ۱۰۰

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی، چان کردک، کوچه
کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۱۰۰۹؛
فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲ - ۸۸۸۸۰۱۵۱؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۷۷۵۴۴

www.elmifarhangi.ir - info@elmifarhangi.ir

www.farhangishop.com

وبسایت فروش آنلاین:
فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه
گلغام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳ - ۲۴۱۴۰۰۲۲

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن:

۷ - ۸۸۴۴۳۸۰۶

فهرست مطالب

مقدمه مترجمان	هفده
مقدمه نویسنده بر چاپ دوم	نوزده
پیش گفتار	۱
پی نوشت ها	۷
فصل اول: هنر مقدس	۹
چه کسی هنر را تعریف می کند	۹
احساس شرمساری برای هنر	۹
فرادستی و فرودستی فرهنگی	۱۰
۱. هنر چیزی است که مردم آن را هنر می دانند	۱۱
۲. فرودستی و فرادستی فرهنگی بر اقتصاد هنر اثر دارد	۱۵
۳. هنر مقدس است	۲۰
۴. هنر اصیل است	۲۳
۵. هنر نا ضروری و مهجور است	۲۶
۶. هنر قاعده گریز است و بر شناخت می افزاید (گودمن)	۲۸
۷. هنرمندان به جادوگران شبیه اند (برداشتی شخصی)	۳۰

۳۲ ۸. اسطوره‌های هنر بر اقتصاد آن تأثیر دارند

۳۴ ۹. نتیجه

۳۵ بحث

۳۶ پی‌نوشت‌ها

۴۱ فصل دوم: انکار اقتصاد

۴۱ چرا به درآمد بازاری هنر بدگمان‌اند، اما هدیه‌ها را می‌ستایند؟

۴۱ این نقاشی چقدر می‌ارزد؟

۴۲ چگونه معامله‌ای شیک ترتیب دهیم

۴۵ بگذار، واسطه تو پشتیبان تو هم باشد

۴۸ هنر متکی به هدیه و تجارت است

۲ پیران پیرانه و بخششی که به هنر پرداخت می‌شود بسیار بیش از

۵۲ داد است

۵۴ ۳. هنری را که می‌توان هدیه داد نباید فروخت

۵۸ ۴. بازار ارزش هنر می‌دهد

۶۱ ۵. هنر به جایگاه و الامت و نه هدیه نیازمند است

۶۴ ۶. اقتصاد در هنر انکار پنهان می‌شود

۶۶ ۷. اقتصاد دوگانه مهارت‌های ویژه می‌دهد

۶۸ ۸. نتیجه

۷۰ بحث

۷۰ پی‌نوشت‌ها

۷۵ فصل سوم: ارزش زیبایی‌شناختی یا ارزش اقتصادی

۷۵ آیا کیفیت پاداش مالی هم دارد؟

اثر بازار پسند تا وقتی کم‌ارزش است که هنرمند موفقیتی در بازار کسب

۷۵ نکرده باشد

۷۶ داوری درباره ارزش کار هنرمند

۷۸ هنری که عاقبت از سطل زباله سر در می‌آورد

۸۰ ۱. ارزش زیبایی‌شناختی و ارزش بازاری تعریف متفاوتی دارند

۸۲	۲. بازار برای کیفیت هیچ امتیازی قائل نیست
۸۶	۳. ارزش‌ها مشترک‌اند
۸۸	۴. چیزی به نام هنر محض وجود ندارد
۹۲	۵. خریداران بر ارزش بازاری و کارشناسان بر ارزش زیبایی‌شناختی اثر گذارند
۹۷	۶. سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موجب تفاوت در قدرت می‌شوند
۹۹	۷. در بازارهای همگانی فروش و کیفیت به آسانی از هم فاصله می‌گیرند
۱۰۱	۸. شکاف بر سر فرادستی فرهنگی در هنرهای تجسمی (یک به یک)
۱۰۴	۹. قدرت نامان در برابر قدرت پول
۱۰۶	۱۰. دولت قدرت فرهنگی را به قدرت خرید تبدیل می‌کند
۱۱۰	۱۱. اهداکنندگان خدمات بهتر از مرکس دیگری می‌دانند
۱۱۲	۱۲. ارزش بازاری و ارزش زیبایی‌شناختی در بلندمدت همگرا می‌شوند
۱۱۶	۱۳. نتیجه
۱۱۸	بحث
۱۱۸	پی‌نوشت‌ها

فصل چهارم: هنرمندان فداکار از خود گذشته

آیا هنرمندان به پاداش دل‌بسته‌اند؟

۱۲۵	معلمان و متخصصان پیشین مراقب هنرمندان‌اند
۱۲۷	وادادن با هدف حفظ شهرت
۱۲۸	استقلال چانه‌بردار نیست — پیشنهاد کارخانه اتودی
۱۳۰	۱. هنرمند فداکار از درون برانگیخته می‌شود
۱۳۴	۲. پاداش یا ابزار
۱۳۶	۳. هنرمندان با تنگنای بقا درگیرند

۴. استقلال همواره نسبی است ۱۴۰
۵. انگیزه‌های درونی از درونی کردن ارزش‌ها نشئت می‌گیرند ۱۴۲
۶. ریختار و میدان ۱۴۵
۷. توافق از خودگذشتگی فداکارانه و سوداندیشی ۱۴۹
۸. گرایش هنرمندان در قبال پاداش متفاوت است ۱۵۰
۹. نوع و منبع پاداش برای هنرمندان مهم است ۱۵۵
۱۰. سه نمونه از گرایش به پاداش‌های دولتی در هلند ۱۶۰
۱۱. نتیجه ۱۶۲
- بحث ۱۶۴
- پی‌نوشت‌ها ۱۶۵

فصل پنجم: پول و هنرمند ۱۷۳

- آیا هنرمندان مهارت‌شان کم‌اطلاع‌اند؟ ۱۷۳
- تصمیمی بی‌محابا برای وستن به دنیای هنر ۱۷۳
- لطیفه‌سازی درباره‌شان و شهر شدن ۱۷۴
- انصرافی‌هایی که هنرمند می‌برد ۱۷۵
۱. درآمد در هنر به صورتی استثنایی است ۱۷۸
۲. در بازارهای هنری برنده صاحب سهم بزرگ می‌شود ۱۸۰
۳. مردم اصالت را بیشتر می‌پسندند و پول آن درینه می‌کنند ۱۸۵
۴. درآمدها در هنر به شیوه‌ای استثنایی پایین می‌آید ۱۸۷
۵. پنج دلیل درآمد پایین در هنر ۱۹۰
۶. هنرمندان برای شغل‌های «عادی» مناسب نیستند ۱۹۲
۷. هنرمندان حاضرند از پاداش‌های پولی بگذرند ۱۹۲
۸. هنرمندان خطرپذیرند و بیش از حد به خود اطمینان دارند ۱۹۶
۹. هنرمندان کم‌اطلاع‌اند ۲۰۰
۱۰. نتیجه ۲۰۴
- بحث ۲۰۶
- پی‌نوشت‌ها ۲۰۶

فصل ششم: فقر ساختاری ۲۱۵

آیا یارانه و بخشش فقر را بیشتر می‌کنند؟ ۲۱۵

یارانه تمایل هنرمندان را به فروش از بین می‌برد ۲۱۵

۱. هنرمندان همیشه فقیر نبوده‌اند ۲۱۸

۲. آرزوی کاستن فقر در هنر باعث شد یارانه فراگیر شود ۲۲۱

۳. درآمد پایین ذاتی هنر است ۲۲۲

۴. تعداد هنرمندان با میزان یارانه‌ها منطبق است ۲۲۶

۵. یارانه در هلند تعداد هنرمندان را افزایش داده است بی‌آنکه فقر را ۲۲۶

کاهش دهد ۲۲۸

۶. یارانه نشانه این است که دولت از هنرمندان مراقبت می‌کند ۲۳۳

۷. با یارانه و بخشش می‌خواهند فقر را کاهش دهند اما آن را شدت ۲۳۵

می‌بخشند ۲۳۵

۸. آموزش کم‌هزینه یعنی هنرمندان بی‌خطر است ۲۳۹

۹. اعطای خدمات اجتماعی یعنی هنرمندان بی‌خطر است ۲۴۲

۱۰. هنرمندان درآمدهای خود را با ثروت خانوادگی و شغل‌های دوم تکمیل ۲۴۴

می‌کنند ۲۴۴

۱۱. هنرمندان با چندشغلی بودن اثرات شغل‌شان را کاهش ۲۴۷

می‌دهند ۲۴۷

۱۲. هنرمندان را به جای تولیدکننده می‌توان مصرف‌کننده به شمار ۲۴۹

آورد ۲۴۹

۱۳. آیا «عرضه بیش از حد» هنرمند داریم و به همین علت درآمد هنرمندان ۲۵۱

اندک است؟ ۲۵۱

۱۴. نتیجه ۲۵۴

بحث ۲۵۷

پی‌نوشت‌ها ۲۵۷

فصل هفتم: بیماری هزینه ۲۶۵

افزایش قیمت یارانه‌دهی را ضروری می‌کند؟ ۲۶۵

- وقتی پای کیفیت بالا در میان باشد هیچ هزینه‌ای گزاف نیست ۲۶۵
- هزینه‌ها بی‌اهمیت‌اند و تنها دلایل هنری اهمیت دارد ۲۶۶
۱. «کیفیت هنری، بی‌توجه به هزینه‌ها، باید آرمان باقی بماند» ۲۶۹
۲. «هنر گرفتار بیماری هزینه است» ۲۷۱
۳. پیشرفت تکنیکی همیشه قسمتی از هنر بوده است ۲۷۴
۴. اجرای راستینی در کار نیست ۲۷۸
۵. تابوی نوآوری تکنیکی در موسیقی کلاسیک محصول این زمانه است ۲۸۱
۶. بیماری هزینه به درآمد اندک می‌انجامد، اما یارانه‌دهی درونی بیماری هزینه را مهار می‌کند ۲۸۵
۷. تقاضای آثار هنری بی‌پایان است ۲۸۹
۸. بلیف‌های نابا دار هم می‌تواند به مشکلات مالی بینجامد ۲۹۲
۹. موسیقی آپ‌حداست‌هایی دارد که موسیقی کلاسیک فاقد آن‌هاست ۲۹۶
۱۰. یارانه و بخشش بیماری هنر را تشدید می‌کنند ۳۰۲
۱۱. نتیجه ۳۰۸
- بحث ۳۱۰
- پی‌نوشت‌ها ۳۱۰

- فصل هشتم: قدرت و وظیفه اهدا کردن ۳۱۷
- چرا از هنر حمایت می‌کنیم؟ ۳۱۷
- خدمت به هنر ۳۱۷
- کار هنری یعنی درآمد کم و صرف وقت بسیار ۳۱۸
- کمک به هنرمندان فقیر ۳۱۹
۱. مردم به اهداکنندگان احترام می‌گذارند ۳۲۱
۲. اهداکنندگان صاحب نفوذند و ناگزیر پدرمآبانه عمل می‌کنند ۳۲۵
۳. هنر قدرت را تعالی می‌بخشد و فعالیت‌های اهداکنندگان را مشروع می‌کند ۳۲۹

۴. هدیه دادن وظیفه می شود ۳۳۳
۵. بخشش و یارانه از آیین ها ریشه می گیرند ۳۳۶
۶. هنرمندان هم به هنر می بخشند و هم از آن قدردانی می کنند ۳۳۹
۷. خانواده و دوستان به هنرمندان یارانه می دهند ۳۴۳
۸. اهداکنندگان خصوصی هم به هنرمندان خیبانی و هم به مؤسسات معتبر هنری هدیه می دهند ۳۴۶
۹. شرکت ها و بنیادهای خصوصی از هنر حمایت می کنند ۳۴۸
۱۰. نتیجه ۳۵۰
- بحث ۳۵۲
- پایان ۳۵۲

فصل نهم: دولت و هنر دست می کند ۳۵۷

- یارانه های هنر به نفع هم است یا گروهی خاص؟ ۳۵۷
- عقایدی درباره حمایت دولت از هنر ۳۵۷
۱. برای یارانه دهی به هنر باید دلیلی وجود داشته باشد ۳۶۳
۲. «یارانه های هنر برای اصالح نارسایی بازار ضروری است» ۳۶۵
۳. «هنر شایستگی های ویژه ای دارد و در دسترس همگان ۳۶۸
- باشد» ۳۶۸
۴. استدلال شایستگی با موفقیت به کار رفته است ۳۷۰
۵. «دولت باید به هنرمندان فقیر کمک کند» ۳۷۳
۶. «هنر امری عمومی است و دولت باید برای جلوگیری از انحصار و نافی ۳۷۶
- مداخله کند» ۳۷۶
۷. «هنر به اقتصاد رفاه کمک می کند و بنابراین باید حمایت ۳۸۱
- شود» ۳۸۱
۸. «جامعه نیازمند سپاه ذخیره ای از هنرمندان است و بنابراین باید از هنر ۳۸۳
- حمایت کند» ۳۸۳
۹. دولت رقابت موجود در هنر را بر هم می زند ۳۸۵
۱۰. نفع شخصی در پس استدلال های مؤید یارانه ها پنهان می شود ۳۹۱

۱۱. دنیای هنر از یارانه‌ها نفع می‌برد ۳۹۳
۱۲. دولت برای یارانه‌دهی به هنر در فشار است ۳۹۶
۱۳. نتیجه ۳۹۹
- بحث ۴۰۱
- پی‌نوشت‌ها ۴۰۲

- فصل دهم: هنر به دولت خدمت می‌کند ۴۰۹
- معمریستی هنر و دولت چگونه است؟ ۴۰۹
- چگونه خرید مخفیانه تابلو موندریان به مناقشه‌ای عمومی بدل شد ۴۰۹
- دولت‌ها چگونه توانست در برلین اثر مثبتی از خود به جا بگذارد ۴۱۱
۱. دولت‌ها منافع و سلیقه‌های مخصوص به خود دارند ۴۱۳
۲. ارزش هنر کمتر از دوران پادشاهی در خدمت حکومت است ۴۱۷
۳. دولت‌های اروپا به شیوه گذشته زمامداری می‌کنند ۴۲۱
۴. نمایش پنهانی انجام اجتماعی را تقویت می‌کند ۴۲۴
۵. فرادستی فرهنگ است باارزش به نمایش درآید ۴۲۸
۶. نمایش قدرت فرهنگی مناسب با سلیقه دولت تنظیم می‌شود ۴۳۴
۷. دولت‌ها مشتاق حمایت از هنرند ۴۳۸
۸. نظام تخصصی هنری منافع دولت را در دنیای هنر را هماهنگ می‌کند ۴۴۰
۹. نتیجه ۴۴۳
- بحث ۴۴۵
- ضمیمه: وجوه تفاوت مداخله دولت در هنر در ایالات متحده و در اروپا ۴۴۵
- پی‌نوشت‌ها ۴۵۱

- فصل یازدهم: موانع غیررسمی به هنر سازمان می‌دهند ۴۵۵
- هنر تا چه اندازه آزاد یا انحصاری است؟ ۴۵۵
- انتخاب دولت ۴۵۵

- ۴۵۸ مشارکت‌های بیجا در هنر ممکن است فاجعه‌آمیز باشد
۱. کارکرد موانع در حرفه‌های غیر هنری: آگاه‌سازی مصرف‌کننده، نظارت تولیدکننده، محدود کردن رقابت ۴۵۹
۲. مقاومت هنر در برابر نظارت رسمی بر تعداد هنرمندان ۴۶۲
۳. در گذشته شمار هنرمندان را کنترل می‌کردند ۴۶۵
۴. اعطای اعتبارنامه به نگارخانه‌های تجاری در هلند (یک نمونه) ۴۶۷
۵. ویژگی‌های موانع غیررسمی ۴۶۹
۶. استراتژی‌های غیررسمی از شهرت جمعی ۴۷۳
۷. ابتکارهای هنری حمایت می‌شوند و غیرمستقیم پاداش می‌گیرند ۴۷۵
۸. منافع بازار هنر باید و پیشرفت‌ها کنترل می‌شود ۴۷۸
۹. خطر کاهش کسب به هزینه دیگران کاهش می‌یابد ۴۸۲
۱۰. نتیجه ۴۸۴
- بحث ۴۸۶
- پی‌نوشت‌ها ۴۸۶

- فصل دوازدهم: نتیجه: اقتصاد بی‌رحم ۴۹۳
- چرا اقتصاد استثنایی هنر این اندازه پایدار است؟ ۴۹۳
- عذرخواهی از وارد نشدن به هنر ۴۹۳
۱. اقتصاد هنر اقتصادی استثنایی است ۴۹۶
۲. به‌رغم بخشش و یارانه زیاد درآمد مشاغل هنری اندک است ۴۹۸
۳. تصویر نویدکننده ۵۰۰
۴. برنده‌ها راز گونگی هنر را باز تولید می‌کنند ۵۰۴
۵. جامعه به قلمرو مقدس نیازمند است ۵۰۷
۶. طرح‌های آتی برای یارانه‌دهی کمتر یا بیشتر ۵۱۰
- بحث ۵۱۴
- پی‌نوشت‌ها ۵۱۴

- ۵۱۷ پس گفتار: آینده اقتصاد هنر
- ۵۱۷ آیا تحلیل این کتاب از اقتصاد هنر قدیمی شده است؟
- ۵۱۷ ۱. نشانه‌هایی از نوعی اقتصاد هنر معمول‌تر
- ۵۲۲ ۲. هنرمندانی با نگرش‌های تازه وارد صحنه می‌شوند (۱)
- ۵۲۵ ۳. هنرمندانی با نگرش‌های تازه وارد صحنه می‌شوند (۲)
- ۵۲۸ ۴. «راززدایی از هنر با عقلانی‌تر شدن جامعه»
- ۵۳۱ ۵. «از میان رفتن مرزهای درون و پیرامون هنر»
- ۶. «تکنیک‌های تازه، مصرف‌انبوه و رسانه‌های جمعی به راززدایی از هنر کمک می‌کنند»
- ۵۴۰ بحث
- ۵۴۱ نوشتن
- ۵۴۵ برابرنامه
- ۵۴۹ منابع

مقدمه مترجمان

نویسنده کتاب حاضر بر آن است، از منظر اقتصادی قواعد حاکم بر رفتار هنرمند، بازار هنر، مصرف کننده هنر و هنری و دولت را نشان دهد. البته تأکید نویسنده بر این است که قواعد اقتصاد هنر منحصر به فردند و به تمامی با روایت کلی دانش اقتصادی سازگار نیستند.

هانس آبینگ^۱، نویسنده این کتاب، استاد سانه اقتصاد فرهنگ در دانشگاه اراسموس روتردام، هنرمندی بنام درموند و یکی از شایسته ترین نظریه پردازان این حوزه است. او سعی دارد از منظر با دیدگاه اختی، با درون کاوی یک هنرمند اقتصاددان، مسائل مرتبط با اقتصاد هنر را تشریح و تحلیل کند، از این رو با بسیاری از دیدگاه های پوزیتیو و انتقادی رایج متفاوت است و دانش و بینش ژرفی به خواننده می دهد. افزون بر این می کوشد مطالب مورد بحث را به زبانی کاملاً روان توضیح دهد تا هم برای خواننده مبتدی قابل فهم باشد و هم خواننده اهل نظر را به ظرایف ساخت اقتصادی هنر آشنا کند.

هر فصل از این کتاب با ذکر یک نمونه مرتبط با موضوع آغاز می شود، و در باقی فصل، مؤلف ضمن تحلیل آن نمونه خاص، نتیجه را به موارد مشابه نیز تعمیم می دهد. کتاب نه تنها بیشتر حوزه های شناخته شده این رشته را در بر می گیرد، بلکه نویسنده سعی دارد دانش های موجود در این حوزه ها را با هم ترکیب کند و الگویی برای مطالعه و بررسی در شرایط و موقعیت های دیگر به دست دهد. پرسش هایی که در پایان هر فصل می آید ضمن اینکه خواننده را به ارزیابی دوباره داده های متن سوق می دهد، زمینه را برای بررسی های نظری بیشتر فراهم می کند.

اگرچه این کتاب صرفاً به تحلیل مناسبات حاکم بر اقتصاد و هنر در ایران مرکزی می پردازد، با توجه به کمی منابع موجود، این اثر با روش شناختی نظام مندش و اینکه به عنوان مرجعی بین المللی برای تحقیقات دانشگاهی پذیرفته شده است، می تواند همچون مدلی نظری و تحلیلی برای پژوهش در این حوزه به کار آید و راهگشای خوانندگان ایرانی باشد. ناگفته نپایست که این کتاب بخشی از رهیافت های نظری ممکن به مقوله اقتصاد هنر است، و امیدواریم کتاب هایی بر مبنای دانش بومی و مسائل ویژه اقتصاد هنر در ایران نگاشته شود.

از هانس آبینگ برای اجازه ترجمه کتاب به فارسی، و از همراهی غلامحسین مردانیان و همکاران دانشگاه هنر اصفهان با مترجمان تشکر می کنیم.

حمیدرضا شش رانی

shashyavan@gmail.com

لیلا میرصفیان

leila.mirsafian@gmail.com